

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: ا.م. شیری

۰۶ سپتمبر ۲۰۱۶

"سیریزا شماره ۲"

## یونان: تلاش تازه برای فریب مردم

هنگامی که نظام از چرخ پنجم "چپ" خود استفاده می کند

شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

برای پیکایوی حوادث سیاسی یونان نگاهی به برخی واقعیتها از تاریخچه سیریزا ضرورت دارد. سیریزا در نتیجه اتحاد گروههای مختلف ابن الوقت (اپورتونیست) بر پایه حزب سین (مخفف عنوان حزب سینازیموس، حزب مؤتلفه جنبشهای چپ و سبزها مترجم) تشکیل گردید. نیروهائی در آن جمع شده اند که در سالهای ۱۹۹۰ تحت تأثیر افکار گوربچوف از سوسیال دمکراتیزه کردن حزب کمونیست یونان و تلاش برای خود انحلالی حزب کمونیست طرفی نبسته، آن را ترک کردند. همچنین، کسانی که قبلاً (در سال ۱۹۶۸) تحت تأثیر جریان اپورتونیستی اروکمونیسم حزب کمونیست یونان را ترک کردند، به این نیروها پیوستند.

برنامه حزب سین همیشه سوسیال-دمکراتیک و شامل مدیریت نظام از طریق اصلاحات بوده است.

از ابتدای سالهای ۲۰۰۰ و بعد از آن، به خصوص پس از همپیوندی گروههای مختلف (تروتسکیستی، مائونیستی و غیره) و تحول حزب سین به حزب سیریزا، این برنامه سوسیال-دمکراتیک در لفافه "تندرو"، "ضد نظام" پنهان گردید. این فرایند پس از سال ۲۰۱۰، با شروع بحران اقتصادی سرمایه داری تقویت شد. سقوط سریع حزب سوسیال-دمکراتیک پاسوک زمینه جذب بخشی از نیروهای این حزب را فراهم آورد. معضل گمراه کننده "تفاهم آری، تفاهم نه" امکان داد تا سیریزا نیروهای مردمی را بفریبد، طرفه این که آن حزب وعده کرد که قادر است عواقب اقدامات سختگیرانه علیه طبقه کارگر را با حفظ کشور در دایره اتحادیه اروپا و تداوم راه رشد سرمایه داری تخفیف دهد. همزمان با این، حزب سیریزا خواست لغو بخشی از بدهی های دولتی را مطرح نمود، یعنی، در واقعیت امر، اذعان داشت که بدهی های انباشته شده توسط دولت توانگران را مردم باید بپردازد.

در سال ۲۰۱۲ در چهارچوب بازسازی صحنه سیاسی یونان، سیریزا مورد حمایت برخی از بخشهای سرمایه داری قرار گرفت و رأی انتخاباتی آن تقویت شد. در ماه جنوری سال ۲۰۱۵ در انتخابات به پیروزی رسید و با حزب "یونان مستقل" که استخوانبندی اصلی آن را حزب "دمکراسی جدید"، حزب محافظه کار دارای تمایلات ناسیونالیستی تشکیل می دهد، دولت ائتلافی تشکیل داد.

پس از شش ماه حاکمیت دولت ائتلافی سیریزا - "یونان مستقل"، مردم یونان با ۳ تفاهمنامه جدید که آنها نیز ناظر بر اتخاذ تدابیر ضد کارگری - ضد ملی می باشند، مواجه شدند.

رویدادهای یونان در ماههای اخیر مدیریت بورژوائی سیریزا، به صورت بسیار واضحی از شکست کامل سیاستی گواهی می دهد که هم ادعای خدمت به خلق دارد و هم خدمت به انحصارات. در یونان فرضیه ای سقوط کرد که در چهارچوبه مدیریت بورژوائی، در مجموعه اتحادیه اروپا و اتحادیه های امپریالیستی، و در شرایط وحشیگری سرمایه داری مدعی پیشبرد خط مشی دولتی در سمت منافع خلق بود.

حزب کمونیست یونان شکست سوسیال -دمکراسی جدید را در کمال دقت پیش بینی کرده و هشدار داده بود. بازیهای سیاسی سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ که بازیگر اصلی آن سیریزا بود، به همین نحو آغاز شد. همین بازیها در حال حاضر نیز در یونان تکرار می شود. آن را حزب جدید التأسيس "وحدت خلق" به رهبری پ. لافازانیس، وزیر انرژی دولت سیریزا - "یونان مستقل" تکرار می کند. او با اصحاب خود در روز جمعه، ۲۱ ماه اگست، فراکسیون پارلمانی تشکیل داد که ۲۵ نفر از نمایندگان سیریزا به عضویت آن در آمدند. حزب جدید در عین حال برای جذب چپهای دارای دیدگاه تندروانه که تا زمانهای اخیر به توهمات سیریزا و دولت آن باور داشتند و تصور می کردند که انگار چشم انداز خط مشی خدمت به منافع خلق را می گشاید، تلاش می کند. حزب "وحدت خلق" باز گشت به ارز ملی را به مثابه راه خروج از وضعیت کنونی مطرح نموده و نظرات و پیشنهادات مختلف نوکینزی را که در سالهای اخیر سیریزا هم به منظور اشاعه گسترده توهم پیرامون امکان مدیریت چپ سرمایه داری به نفع مردم را به کار بست، باز تولید می کند. این انشعاب در سیریزا به واسطه نیروهائی به وقوع پیوست که تا چندی پیش در کابینه دولت سیریزا - "یونان مستقل" در اکثریت بوده، دو تفاهمنامه اول را با دقت تمام محقق ساخته و تصمیم عاجزانه مبنی بر تدوین تفاهمنامه سنگین سوم گرفتند.

این نیروهای موجود در داخل سیریزا با عنوان پلاتفورم چپ، توافقنامه ۲۰ فبروری دولت با اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی دایر بر اجرای همه تصمیمات ضد کارگری مندرج در دو تفاهمنامه اول را، و تمامی الزامات مورد نیاز سرمایه بزرگ را تأیید کردند.

آنها در طول تمامی این مدت هنگام تدوین تفاهمنامه جدید با همه پیشنهادهای دولت به ترویکا (سه گانه) موافقت کردند. این پیشنهادات نیز شامل تدابیر سخت ضد کارگری بودند و چنین موضعی تا لحظه استعفای سپیراس، نخست وزیر حفظ شد.

زمانی که دولت سیریزا - "یونان مستقل" به امریکا و ناتو وعده تاسیس پایگاه نظامی در دریای اژه را دادند، این نیروها سکوت کردند؛ هنگامی که دولت با امریکا و اسرائیل رزمایش مشترک نظامی سازماندهی کرد، سکوت کردند؛ در زمان رأی گیری به پیشنهاد تحریمهای اتحادیه اروپا علیه روسیه، آنها رأی مثبت دادند؛ هنگامی که وزیر دفاع اظهار داشت، که کشور در همه مأموریتهای امپریالیستی ناتو و اتحادیه اروپا شرکت خواهد کرد، سکوت کردند. اکنون آنها با اعلام شرکت مستقل خود در انتخابات ۲۰ سپتامبر، مثل "دختران فریب خورده" و به عنوان سخنگویان راستین "رادیکالیزم" سیریزا رفتار خواهند کرد.

بالاخره، این نیروی سیاسی چه پیشنهادی دارد؟ خلاف سیریزا که تاکنون بر حفظ کشور در منطقه یورو تأکید می کند، حزب وحدت خلق در باره "خروج منظم از منطقه یورو، در صورت لزوم"، سخن می گوید. اما آن به هیچ وجه مسأله خروج کشور از اتحادیه اروپا و قطع راه توسعه سرمایه داری را مطرح نمی کند. چرا حزب "وحدت خلق" در مورد "خروج منظم از منطقه یورو، در صورت لزوم"، سخن می گوید؟ همانطور که رئیس حزب "وحدت خلق"، پ. لافازانیس اظهار داشت، "با چشمک زدن" به سرمایه، اگر چنین گامی برای رشد اقتصاد سرمایه داری ضروری باشد،

برداشته خواهد شد. علاوه بر آن، حزب "وحدت خلق" یکسری تدابیر شناخته شده نئوکینزی در اداره سرمایه داری را، مثلاً، "اجتماعی کردن بانکهای دارای توان توسعه" را، با تأکید بر اینکه بانکها می توانند به "مؤسسات خیریه" بدل شده، پولهای "تازه" دولتی را برای حمایت از بازسازی اقتصاد منفرود سرمایه داری بپردازند، باز تولید می کند. بدین ترتیب، آنها با کاهش حقوق اجتماعی، کاری و درآمد ملی به منظور بازسازی سودآوری سرمایه داری، با چشم فرو بستن بر قوانین پایه ئی حرکت اقتصاد سرمایه داری که دائماً به "قربانیان" تازه از میان زحمتکشان نیاز دارد، در میان خلق توهم پراکنی می کنند.

در نهایت، حزب وحدت خلق به سهم خود در باره لغو بخش بزرگی از بدهی ها با بیان این که سایر احزاب نظام نیز این کار را می کنند و با اذعان بر این که مسؤولیت بدهی ها بر عهده خلق است و باید آن را بپردازد، در خصوص دادن مهلت تنفس به کشور صحبت می کند.

تلاشها برای ساختن سیریزای شماره ۲ هنگامی که در باره نقش سیریزای شماره ۱ شک و تردیدها به شدت گسترش می یابد، اصولاً نمی تواند مورد استقبال مردمی قرار گیرد که دوره انتظار دردناکی را طی کرده و اکنون امکانی برای ناامیدی جدید، برای به هدر دادن زمان گرانبها به خاطر بازی با مردم را ندارد.

مردم دارای تجربه و توان نتیجه گیری بوده و نمی تواند دوباره فریب بخورد. تصمیمات به نفع خلق در داخل نظام سرمایه داری، از طریق تعویض دولتهای بورژوائی، بدون قطع راه رشد سرمایه داری و نظام امپریالیستی نمی تواند اتخاذ شود. کسی که سازماندهی مجدد تولید به کمک اقتصادی سرمایه داری را مطرح می کند، کسی که با احراز مقام دولتی در خدمت این هدف قرار می گیرد، حق ندارد مردم را گمراه کند. کسی که با "چشمک زدن" به بخشهای سرمایه داری، برای حفظ یونان در چنبره سرمایه داری با ایده ارز ملی لاس می زند، مستقل از آن که این اتفاق خواهد افتاد یا نه، مستقل از این که این امر در داخل یونان یا در محدوده منطقه یورو روی خواهد داد یا نه، مردم را به سوی فقر سوق می دهد. بدین سبب باید تلاشهای آنها برای کشاندن مردم به سوی انتخاب دیگر، به انتخاب برای تأمین منافع سرمایه داری را عقیم گذاشت.

لایه های فقیر اما مصمم مردمی نباید تماشاگر یک نمایش و همان نمایش تکراری بوده و ناامیدی مجددی را تجربه کنند. آنها باید همه روزه در مبارزات مؤسسات و محلات کارگری و همچنین در انتخاب پیش رو با اطمینان قوی، بیشتر از هر وقتی شرکت کرده، از حزب کمونیست یونان حمایت نمایند. آنها می توانند به حزبی که هیچ گاه به آنها خیانت نکرده و از مبارزه در راه دفاع از منافع ملی خودداری ننموده، اعتماد کنند.

**منبع اولیه:**

<http://www.sovross.ru/modules.php?name=News&file=article&sid=600719>